

دو یاد آوری درباره

قیام ۲۸ مرداد

امیر فیض- حقوقدان

در رابطه با قیام ۲۸ مرداد تحریراتی در سَنگَر و همچنین در سایت ۱۴۰۰ سال جاوید ایران تقدیم شده است^۱ و تا آنجا که یاد دارم دو تحریری زیر عنوان «پیش کش آمریکا به دولت روحانی در رابطه با ۲۸ مرداد و سند تازه سازمان سیا درباره ۲۸ مرداد تازه ترین آنهاست، که فکر میکنم ارائه آنها بوسیله جاوید ایران کمک باشد به محققین و کسانی که درباره آن رویداد مهم ملاحظات نظری دارند»^۲

اما مسیر این تحریر فشرده دو یاد آوری حقوقی است^۲

نخست بحث حق عزل دکتر مصدق از سوی شاه است

مسئله مزبور زیربنای موضوع است که در تمامی اعتراضات به جریان عزل مصدق بفرمان شاه دیده میشود و گروهی اصل ۴۶ متمم قانون اساسی را در مدار تفسیری قرار میدهند و به غلط نتیجه گیری میکنند که عزل و نصب نخست وزیر از حقوق مجلس است نه شاه.

این چنین بحثی هیچگاه تمامی ندارد نه امروز که از قدیم الایام امر بحث و محاجه تمامی نداشته است اکنون ۴۰۰ سال یابیشتر میگذرد و هنوز بحث اینکه قرآن قدیم است یا حادث پایان نیافته است.

علمای کلام و منطق به مشکل مزبور متوجه بوده اند و قاعده خاص و قابل اجرائی را وضع کرده اند و آن این است که «در مقابل نص، اجتهاد جایز نیست» این صراحت در حقوق مدرن هم ملاحظه کردنی است که هر جا نص قانونی وجود دارد قاضی ملتزم به رعایت آن است.

استنباط اشخاص از متون قانونی استنباط شخصی است و نمیتواند ملاک قضاوت نسبت به ماهیت حکم قانون باشد و اگر خلاف آن فرض شود قانون دیگر قانون نیست. قانون متنی است که با گذرا از تعاطی افکار مخالف و موافق بصورت حرف آخر ملاک عمل است.

اصل ۴۶ متمم قانون اساسی که در عبارت **<عزل و نصب وزرا بموجب فرمان همایون پادشاه است>**

^۱ - <http://1400years.org/AmirFeyz/28AmordadSanadTazehCIAGhasdeUSA-AmirFeyz-19Aug2013.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/JanbehHoghoughi28Amordad-AmirFeyz-27Aug2013.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/NaghdBaVaseteMoshabebehBBCZahedi-AmirFeyz-30Aug2013.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/ElamGhabnRPTafsirGhanoon-28Amor-AmirFeyz-07Jun2012.pdf>

^۲ - به پیوند های بالا در شماره یک نگاه کنید. ح-ک

در قانون اساسی پیاده شده امری صریح و روشن است و هیچ فرهنگ عقب مانده ای از درک آن غافل نیست و نمیتوان برای فهم و درک آن بحث و مجادله و تفسیر را لازم داشت و دلیل صراحت و عدم نیاز به تفسیر و تحلیل هم میتواند یکی این باشد که در طول مشروطیت همین اصل ۴۶ متمم دقیقاً بر اساس نص آن به اجرا در آمده است.

نثار این به اعتبار اینکه

حق عزل و نصب وزراء از حقوق انحصاری شاه در متمم قانون اساسی است و به اعتبار اینکه اصل مزبور از اصول متمم قانون اساسی است و حق تفسیر قانون اساسی بامجلس موسسان است نه با افراد و به اعتبار اینکه نص اصل مزبور اجازه احتجاج در آن را نمیدهد لذا بحث عدم مشروعیت عزل آقای مصدق نخست وزیر وقت امری مختومه و عملی قانونی محسوب میگردد.

ابلاغ فرمان عزل

مورد دیگری که یکی از پایه های برجسته معترضین به قیام ۲۸ مرداد است کیفیت ابلاغ فرمان برکناری مصدق بوسیله سرهنگ نصیری است که مدعی هستند خارج از ساعات اداری اقدام شده است.

رویه قضائی بر این پایه است که هر قانونی که آئین نامه های اجرائی نداشته باشد کیفیت ابلاغ و اجرای قانون بر عهده مجریان است و به همین لحاظ است برای یکنواخت شده ابلاغ قانون و اجرای فرا گیر آن قانون پیش بینی های لازم را کرده و غالباً بصورت آئین نامه های اجرائی قانون ضمیمه قانون میباشد.

قوانین قبل از توشیح شاه و انتشار در روزنامه رسمی کشور قابل اجرا نیست؛ احکام دادگاه هاهم به کیفیت مقرر در آئین دادرسی قبل از ابلاغ و گذشت مدت لازم قابل اجراییست.

ولی برای ابلاغ فرمان شاه که فرمانده کل قوای نظامی کشور هم میباشد قید و آئین نامه خاصی وجود ندارد و کیفیت ابلاغ فرمان شاه بر عهده مامور ابلاغ کننده فرمان است بهر نحوی که خود او تشخیص بدهد که ابلاغ فرمان مطمئن تر و امر شاه درست ابلاغ شده است؛ عمل کند.

اینکه مامور ابلاغ فرمان سرهنگ نصیری خودش تنها فرمان رابه مصدق برساند یا با نیروی نظامی اقدام کند پیاده برود یا بادوچرخه و اصلاً برود یا گیرنده فرمان رابه دربار دعوت کند، در ساعات اداری برود و یا اصلاً در خارج از ساعات اداری و حتی در غیر محل اقامت مصدق به او اقدام کند از اختیارات مامور ابلاغ فرمان است.

سابقه ای در دست است که مامورین ابلاغ دادخواست های علیه افراد هم آزادی در محل ابلاغ و ساعات روز را دارند و آن سابقه برمیگردد به شکایت از آقای احمدی نژاد که با برنامه ریزی آقای گنجی ترتیبی داده شد (آنطور که گنجی گفته است) که مامور ابلاغ با خریدن یک بلیط ۵۰۰ دلاری میهمانی به افتخار احمدی نژاد در همان میهمانی سیاسی دادخواست رابه احمدی نژاد ابلاغ کند (از سنگر).

تأثیر ابلاغ نادرست

گرچه ابلاغ فرمان شاه با ابلاغ اخطاریه های دولتی تفاوت دارد و نمیتوان آنها را در یک چارچوب حقوقی پیاده کرد ولی اساساً ایراد به کیفیت ابلاغ از طرف مدعی علیه از مراتب ابطال و توقف اجرای حکم نیست بلکه جای اعتراض اداری را برای محکوم علیه ممکن میسازد.